

حاج حسن عدل نیبری ناشر پیش از انقلاب

قاسم تبریزی

صفحه‌ای از خاطرات

گذر زمان و مرگ دوستان نه تنها انسان را سوگوار و محزون می‌کند که به نوعی با نگاه به گذشته حوادث، وقایع، رخداد‌های سنگین بار دیگر مثل فیلم از نظر می‌گذرد و شاهد مصائب و مشکلات و شدائدی که در عصر پهلوی رخ داد و تا آن جا که دیدیم، شنیدیم... می‌گردد.

در میان ناشران متعهد و مسئول تنی چند بودند که مال و جان و هستی خود را بر سر آرمان و اهداف مقدس گذاشتند و نه تنها نهراسیدند که خود به استقبال درگیری می‌رفتند. بنده طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۴۰ شاهد شماری از اینان بودم. از میان رفتگان باید از حجت‌الاسلام سیدعبدالحمید مولانا مدیر انتشارات دارالفکر قم، حجت‌الاسلام شیخ مصطفی زمانی نجف‌آبادی، مؤسس پیام اسلام و نویسنده و مترجم پرکار، استاد فخرالدین حجازی خطیب، مترجم، ادیب

و اهل قلم و مؤسس مؤسسه بعثت، حاج حسن نیبری تهرانی مشهور به حسن تهرانی مؤسس «انتشارات ارشاد» و «کانون انتشار» در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۴۵، مرتضی عظیمی مدیر انتشارات آذر... یاد کرد که الحق هر کدام مبارزی نستوه و تلاشگری خستگی‌ناپذیر بودند.

به مناسبتی در این نوشته یادی از حاج حسن تهرانی خواهیم کرد تا در مورد دیگران در وقت

(نشسته مابین سیدهادی خامنه‌ای و محمود دعایی) و شاید شماره‌های آینده مطالبی بنویسیم. گرچه



حسن نیبری

هنوز ناشرانی فعال داریم که دوران پیری و کهولت را می‌گذرانند و هر کدام خود سرنوشتی و حکایتی دارند و چه بهتر که خودشان چیزی می‌نوشتند.

حاج حسن تهرانی

مرحوم حاج حسن نیری تهرانی در سال ۱۳۱۸ متولد و از فعالان مذهبی سیاسی خیابان ری بود. او با آن که در سنین نوجوانی بود، در قضیه ملی شدن صنعت نفت، فعال بود و پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دستگیر و حکومت نظامی، مدتی او را حبس کرد. پس از آزادی به صورت مخفی فعالیت را ادامه داد. در سال ۱۳۳۸ با چند تن از علما و روحانیون سیاسی مرتبط بود. در قضیه نهضت امام خمینی فعال شد تا آن جا که ۱۵ خرداد مورد شناسایی قرار گرفت و در ۲۰ خرداد ۱۳۴۲ دستگیر و راهی زندان شد.

پس از آزادی به کار نشر پرداخت و در خرداد ۱۳۴۵ به دلیل پخش کتب سیاسی از جمله کاپیتولاسیون^۱، غرب‌زدگی^۲... دستگیر شد. ساواک از منزل ایشان تعدادی اعلامیه، جزوه و کتب به دست آورد که بر جرائمش افزوده شد. از دیگر اتهاماتش به تعبیر خودش آن بود که در ۱۵ خرداد ۴۲ به قم رفته و با امام دیدار و شب در منزل آیت‌الله حاج شیخ یوسف صانعی بود و با ایشان به منزل امام رفته بود. همراهش اعلامیه داشته و در تظاهرات ۱۵ خرداد در پامنار تهران حضورش را ساواک گزارش کرده بود.

آشنائی من با ایشان از اواسط دهه ۴۰ بود، در کتابفروشی ارشاد، بازار بین‌الحرمین و سپس در کانون انتشار پاساژ نوروزخان. وقتی با او روبرو می‌شدیم، انگار عجله داشت! مثل آدم‌های فراری، زمان را نمی‌خواست از دست بدهد. گاهی عصبانی به نظر می‌رسید و این را در درون خود داشت، هر گاه صحبت می‌کرد اثری از عصبانیت نبود، بلکه با محبت برخورد می‌نمود، بارها بر سر مبادله کتاب صحبت می‌کردیم او نگاهی می‌کرد و در آخر می‌پذیرفت! کتاب‌هایش سیاسی مذهبی بود، آنچه علنی منتشر می‌کرد این گونه بود... ما می‌دانستیم او سیاسی است، فعالیت دارد؛ سابقه زندان هم دارد. نه ما جرأت پرسیدن داشتیم! و نه او زبانش رها بود که بگوید. رفقای صمیمی و همرازش امثال: حاج قاسم نظیفی (مدیر محترم انتشارات اسلامی)، محمد مصطفوی، سید مهدی طباطبائی امام جماعت مسجد حضرت موسی بن جعفر (ع) و برادر زن شهید آیت‌الله محمدرضا سعیدی خراسانی و دیگران و از خواص مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی که در نشر و ترجمه رساله «امر به معروف و نهی از منکر» امام خمینی، جهاد اکبر، ولایت فقیه... را کمک‌های مادی می‌کردند. در پخش نوار سخنرانی حضرت امام علیه جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی با آیت‌الله ربانی شیرازی ارتباط داشتند و ساواک علاوه بر آن متوجه پخش رساله و کتب ممنوعه توسط ایشان شد.^۳

حاج حسن در خرداد ۴۵ مدت‌ها در زندان قزل قلعه بود. پس از آزادی بار دیگر بر فعالیت خود افزود. در سال ۱۳۴۸ با آقای شمس فراهانی (مدیر محترم انتشارات فراهانی) همکاری داشت. فراهانی که اکنون در قید حیات است کتب سیاسی و ممنوعه را چاپ و منتشر می‌کرد. انتشارات ارشاد در سال ۱۳۴۸ آن هم در بازار، مجبورش می‌نمود تا مخفی‌کاری نماید. وجود انبار کالا، شلوغی بازار، عدم امکان تعقیب از سوی

ساواک، اما گوئی تهرانی سوژه ساواک بود و مأموران در جای جای تهران، قم، مشهد و ... او را تعقیب می کردند. پس از آن کانون انتشار را راه انداخت. نکته جالب در آن دوران این بود که برخی مراکز انتشاراتی و مؤسسات فرهنگی در حقیقت پاتوق سیاسیون و مبارزین بود، شرکت سهامی انتشار، مؤسسه بعثت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، انتشارات ملی، انتشارات آذر. (البته مرحوم عظیمی جلسات خود را در خانه زیرزمین انتشارات و تابستان ها در دماوند می گذاشت).

مرحوم تهرانی در پخش کتب، هم چون پخش اعلامیه و نشریات ممنوعه ارتباط گسترده ای با ناشران مذهبی داشت. همکاری با حجت الاسلام زمانی و پخش کتاب «کودک نیل» که در حقیقت جزو کتاب های ممنوعه بود. در همین زمان با روحانی مبارز و نستوه حجت الاسلام غلامحسین جعفری امام جماعت مسجد جامع بازار هم مرتبط بودند. پس از آزادی درست بیاد ندارم چه زمانی شاید در سال ۱۳۴۸ به زندان افتاد. بار دیگر از سوی ساواک در خرداد ۱۳۵۷ به زندان افتاد و این بار، جرمش سنگین تر بود. اوج مبارزات ضداستبدادی و ضد استعماری ملت ایران و انتشار صدها کتاب ممنوعه و اعلامیه حضرت امام و مراجع و علماء و او هم یکی از مرکز چاپ و نشر بود. تهرانی با تجربه سیاسی که داشت برای خود گروهی به نام «گروه ب» درست کرده بود. این گروه در سال ۱۳۴۲ به ظاهر سه نفر بودند و ساواک پی به این تشکیلات برده و یکی از دلایل دستگیرش همین بود.

ساواک از حضور ایشان در مسجد هدایت و ارتباط با آیت الله طالقانی و برخی سیاسیون خبر می دهد.^۴ ارتباطم با ایشان حتی پس از آزادی شان نیز ادامه داشت. این ارتباط در اوج فعالیت سال ۱۳۵۷ کم و تعطیل شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به روزنامه اطلاعات رفت و در هیئت تحریریه فعال شد.^۵ این اواخر از همه چیز فاصله گرفت و کمتر دیده می شد. در سال های ۱۳۷۲ تلاش نمودم تا با ایشان دیداری داشته باشم و خاطرات را کامل کنم. اما افسوس که او درب خانه را بسته و به سیر و سلوک عرفانی و معنوی مشغول بود. حتی دو سه بار حاج قاسم نظیفی را واسطه کردم. تهرانی عذر خواست که کسی را نمی پذیرد. از دادن شماره تلفن هم دریغ نمود...! تهرانی خاطرات و تجربیاتی را با خود برد که اگر به جای می گذاشت گنجینه و میراثی برای نسل حاضر و آیندگان بود. مردی که از ۱۴ سالگی در تکیه سادات اخوی شهرری فعالیت داشت و در شهریور ۱۳۳۲ توسط حکومت نظامی به زندان افتاد و آخرین بار هم در خرداد ۱۳۵۷ مدتی بازداشت بود. نمی دانم دست نوشته، خاطرات، دفترچه یادداشتی از او به جای مانده است یا نه؟ اما دریغ آن که یاران یک به یک می روند، و خاطرات و تاریخ مبارزات را با خود می برند و نسل و نسل های را محروم می کنند.

به روایت اسناد ساواک

متأسفانه هنوز اسناد حاج حسن آقا تهرانی منتشر نشده است. بخصوص آن که ایشان از دوران نهضت ملی شدن نفت، با داشتن روحیه سیاسی، و پایین بودن سن و سال دستگیری و مدتی محبوس بود. اما از آن چه در کتب منتشر شده اسنادی درباره ایشان آمده به چند مورد اشاره می شود.

۱- در تاریخ ۴۹/۹/۲۶ اداره کل ساواک در مورد آیت‌الله حاج شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی می‌نویسد: «نامبرده در کتابفروشی مصطفوی واقع در خیابان بوذرجمهری طبقه دوم پاساژ مقابل پامنار از محمد مصطفوی سؤال نمود: حسن تهرانی آیا مشهود می‌رود؟ مصطفوی جواب داد: مشارالیه امروز به قم رفته و بعد هم به مشهد مسافرت خواهد نمود. ربانی نامه‌ای به شخصی به نام طبسی [مسلماً آیت‌الله حاج شیخ عباس واعظ طبسی از روحانیون فعال سیاسی قبل از انقلاب است] نوشت و مبلغ نهصد تومان پول به مصطفوی داد که به وسیله حسن تهرانی به مشهد بفرستد. سپس بحث «ملحقات رساله [امام] خمینی که اخیراً چاپ شده به قم فرستاده‌اند و موقعی که جواب مثبت شنید اضافه نمود یک سید طلبه است که اگر آمد خدمت شما و نشانی آورد تعدادی به او بدهید.»

ساواک همواره آیت‌الله ربانی شیرازی را زیر نظر داشت، بخصوص ایشان یکی از مهم‌ترین حامیان امام و مدافعان نهضت امام بودند، از طریق وی به کسانی که یا فعالیت سیاسی فرهنگی می‌کردند و یا وجوهات جمع‌آوری کردند و در بین طرفداران و یاران امام تقسیم می‌کردند. حساسیت فوق‌العاده داشت، خصوصاً با انتشار بخش «امر به معروف و نهی از منکر» در ضمیمه رساله عملیه امام، این حساسیت بیشتر شده بود. فعالیت آقای مصطفوی و تهرانی در چاپ، نشر، پخش از یک سو، ارتباط با روحانیون سیاسی در شهرهای دیگر، باعث پیگیری موضوع از سوی ساواک می‌شد.^۶

در تاریخ ۵۰/۴/۲۹ جلسه‌ای در منزل برادر آیت‌الله ربانی شیرازی در تهران تشکیل و بحث جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و مخارج هنگفت و حتی آوردن غذا از فرانسه می‌شود سپس به زندانی شدن حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد نویسنده کتاب مناظره دکتر و پیر می‌کشد.^۷

در گزارش بعدی، ساواک به دنبال شناسایی افراد در آن جلسه بود.^۸ نهایتاً سفر حاج حسن تهرانی به شیراز، چاپ اعلامیه امام علیه جشن‌های دوهزار و پانصد ساله، تکثیر نوار سخنرانی امام^۹ با گسترش فعالیت آیت‌الله ربانی، سید محمد مصطفوی، حاج حسن تهرانی و سید مهدی طباطبایی گزارشاتی از مراکز ساواک تهران، شیراز، قم به مرکز می‌رسد. خصوصاً حجت‌الاسلام سید مهدی طباطبایی برادر زن شهید آیت‌الله سید محمدرضا سعیدی خراسانی که به تعبیر ساواک از روحانیون افراطی و از طرفداران سرسخت [امام] خمینی می‌باشد. فعالیت‌های مشکوک جشن‌های ۲۵۰۰ ساله تکثیر اعلامیه در بازار تهران و تهیه بیوگرافی هر یک خصوصاً حاج حسن تهرانی که آمده است: «حسن تهرانی معروف به حسن نیری عدل، برابر سوابق موجود فردی است که نسبت به جبهه بااصطلاح ملی سابق و دستجات مخالف دولت شدیداً علاقه‌مند و عنصری بسیار منتصب و منحرف که علاوه بر این که دارای فعالیت‌های مضره سیاسی می‌باشد ارتباطاتی نیز با خارج از کشور داشته است:

در نظریه ساواک آمده است: با توجه به مراتب و این که نامبردگان بالا در هر فرصتی مضره و خلاف مصالح خود را دنبال می‌نمایند و یا توجه به طرز تفکر و روحیه ربانی شیرازی به احتمال قریب به یقین وی در مصطفوی و تهرانی با استفاده از فرصت کوتاهی نظرات ضدملی خود را مورد اجرا گذاشت که برای اثبات این امر می‌توان اشاره به تلاش‌های مذبحخانه ربانی شیرازی نمود علیهذا پیشنهاداتی به شرح ذیل معروض

تا در صورت تصویب به مورد اجرا گذارده شود.^{۱۰}

در گزارش بعدی ۴۹/۱۰/۱۶ که نوعی تکمیل گزارش قبل است، اداره کل سوم می‌نویسد: روز ۴۹/۱۰/۱۰ عبدالرحیم ربانی شیرازی، محمد مصطفوی، حسن تهرانی متصدی انتشارات برهان، مرتضی افشار کارمند پارس مثال، جوانی به نام بنکدار که مدتی زندان بوده است و علی خلیلیان قمی کارمند کارخانه آزمایش در کتابفروشی مصطفوی واقع در خیابان بوذرجمهری اجتماع نموده و درباره موضوعات مختلف صحبت می‌کردند. علی خلیلیان از مصطفوی درخواست نمود که تعدادی جزوه امر به معروف که از ملحقات رساله [امام] خمینی است برای وی تهیه کنید. مصطفوی گفت: اگر جزوه‌ها تمام شده هر موقع که قم آمدید مقداری بیاورید و به حسن تهرانی نیز اظهار نموده شما هر موقع مشاهد رفتید سعی کنید راجع به آن موضوع با محامی صحبت کنید. (بنگرید: آیت الله ربانی شیرازی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۲۵)

درباره سند بالا این توضیحات لازم است که انتشارات برهان توسط حاج حسن کتابچی تأسیس و در نشر کتب اسلامی سیاسی فعال بود. با فعال شدت حسینیه ارشاد، حساسیت ساواک نسبت به این نام، انتشارات ارشاد را تعطیل و حاج حسن آقا تهرانی و در ۱۳۴۸/۹/۱ با حاج حسن کتابچی مشارکت نمود. در مدت کوتاه همکاری گسترده‌ای داشتند. علاوه بر انتشار مخفیانه کتابهای:

۱- رساله امام با ملحقات ۲- رساله امر به معروف امام ۳- کشف الاسرار امام ۴- کتاب شعر سید علی موسوی گرمارودی... ۵- زن و انتخابات مجموعه مقالات ۶- ابراهیم بت‌شکن حجت‌الاسلام مصطفی زمانی ۷- اقتصادنا، ج ۲، اثر شهید آیت الله محمدباقر صدر را منتشر و با ناشران فعال سیاسی هم‌چون «انتشارات ملی» به مدیریت حاج علی خلیلی‌نیا و انتشارات بعثت به مدیریت مرحوم استاد فخرالدین حجازی، انتشارات شمس به مدیریت حاج شمس فراهانی، در بخش و نشر کتاب همکاری داشتند. پس از مدتی حاج حسن تهرانی، انتشارات «کانون انتشار» را تأسیس و به صورت مستقل فعالیتش را آغاز نمود. در حقیقت کانون انتشار سومین مؤسسه‌ای بود که ایشان به کار نشر مشغول گردید. (مقصود از خلیلیان در سند بالا، تهرانی است. آقای محمد رضا محامی نیز از روحانیون فعال سیاسی دهه‌های ۴۰-۵۰ در مشهد مقدس است.)

محمد مصطفوی در یک مذاکره خصوصی اظهار نمود که اخیراً یک دستگاه ماشین پلی‌کپی و تعداد زیادی



کتاب ولایت فقیه [امام] خمینی را از خلیل‌نیا^{۱۱} گرفته‌اند که مخارج تهیه کتاب مذکور را ربانی شیرازی از محل سهم امام می‌پرداخته. زیرا ربانی چنین اجازه‌ای از [امام] خمینی برای چاپ نشریات و کمک به خانواده زندانیان دارد. رابط مستقیم وی نیز محمد خلیل‌نیا و شانه‌چی بوده‌اند. مسئول بخش نشریات مرتضی افشاری بنکدار، محمد مصطفوی و حسن تهرانی بوده‌اند.^{۱۲}

اثری ماندگار

تا آنجا که اطلاع دارم از آثار حاج حسن نیری تهرانی تاکنون فقط کتاب «ثمرات» که حاوی شرح «چهل حدیث علوی» در «تطهیر نفس و تهذیب اخلاق» می‌باشد در سال ۱۳۷۶ در ۳۱۶ صفحه قطع رقعی، توسط انتشارات «نی» نشر یافته. آیا از ایشان آثاری بجای مانده که منتشر شده است یا نه را باید در انتظار اقدام خانواده محترم ایشان بود. اما نویسنده کتاب را تقدیم به جوانان برای تهذیب نفس و احیای اخلاق دینی نموده و احادیث را بعد از آیات قرآن، مرجع و منبع بیشتر علوم و احکام و دستورات دینی و اخلاقی قلمداد می‌کند که آدمیان اگر پیروی کردن از معصومین (ع) و راه یافتن به سرمنزل سعادت و حیات جاودان را خواهان باشند، لازم است با همتی بلند و کوشش دائمی به فراگرفتن اخبار و درک گرفتاری آن معلم الهی بپردازند و از این طریق است که با معنویات نامحدود آنان، ارتباط برقرار می‌شود، و با تفکر و تدبیر در موضوعات و مسایل و مطالب احادیث، فواید بی‌شمار حاصل شود. سپس به شرح چهل حدیث در ابعاد علم، عمل، اصلاح نفس، عقل، خوف، محاسبه، مجاهده، رضا، تواضع، حلم، یقین، معرفت، ایمان ... می‌پردازد. متن از آیات کلام حق، احادیث، اشعار عرفانی اسلامی ... با نثری جذاب و مطالبی منسجم ارائه می‌دهد. مطالب را عموماً کوتاه، چکیده و سعی نموده‌اند از ائمه اطهار (ع) در موضوعات گونه‌گون احادیثی نقل نمایند. نویسنده در پایان «فرهنگ لغات و تعبیرات» را در یکصد و هشت صفحه برای درک و فهم جوانان آورده است. عمدتاً خطاب نویسنده به «جوانان» است.



پی‌نوشت‌ها

- ۱- آیت‌الله سید محمود طالقانی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، جلد اول، ص ۴۴۴.
- ۲- شهید مطهری به روایت اسناد ساواک، ص ۶۷-۶۸، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، جلد سوم صفحات ۱۷۰-۱۷۴.
- ۳- رجوع شود به کتاب آیت‌الله ربانی شیرازی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- ۴- آیت‌الله سید محمد طالقانی به روایت اسناد ساواک، جلد ۳، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- ۵- رجوع شود به مقالات استاد جلال رفیع، روزنامه اطلاعات، در سوگ دوست از دست رفته.
- ۶- آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی به روایت اسناد ساواک، صص ۲۲۶-۲۲۵.
- ۷- کتاب مناظره دکتر وپیر، شهید حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، تهران: فراهانی، ۱۳۴۸.
- ۸- ۱۳۵۰/۵/۴، ص ۲۵۳.
- ۹ همان، ۱۳۵۰/۵/۷، ص ۲۵۹.
- ۱۰- همان، صص ۱۷۰-۱۷۳.
- ۱۱- حاج علی خلیل‌نیا از ناشران فعال سیاسی مذهبی سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ می‌باشد که به دلیل نشر کتب: جهاد و شهادت آیت‌الله سیدمحمود طالقانی، غرب‌زدگی جلال احمد، جهاد اکبر امام خمینی، ولایت فقیه امام خمینی... دستگیر، مدت‌ها در زندان کمیته مشترک متحمل مصائب و شدائد می‌شد و آن چه در خاطرات زندانیان شکنجه شده آمده است- متأسفانه ایشان هنوز خاطرات خود را منتشر نکرده‌اند خلیل‌نیا امیدوارم انتشارات ملی بودند که در زمینه اندیشه سیاسی اسلام کتابهای: ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی، سید قطب، ترجمه سید محمد خامنه‌ای؛ صلح امام علی (ع)، اثر سید محمد خامنه‌ای؛ الجزایر در آتش و خون، ترجمه خلیلیان و... را منتشر می‌نمود.
- ۱۲- آیت‌الله ربانی شیرازی به روایت اسناد، ص ۲۴۱.